

دیپلماسی عمومی در اندیشه‌ی امام علی (علیه‌السلام): الگوی اسلامی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل

دکتر علی آدمی^۱

مرضیه محمدی نسب^۲

چکیده

آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، ارائه‌ی الگوی اسلامی دیپلماسی عمومی در عرصه‌ی روابط بین‌الملل با استناد به سیاست‌های راهبردی و اجرایی امام علی (علیه‌السلام) است. دیپلماسی عمومی به‌عنوان یکی از ابزارهای اعمال قدرت نرم نیازمند مدیریت ارزش‌ها و هنجارهای عام جهان‌شمول در حوزه‌ی سیاسی است به‌گونه‌ای که اشاعه‌ی عملکردهای عادلانه، جذابیت پایدار خروجی‌های قدرت را در سطح نظام نمایان کند. اگرچه موضوعیت یافتن دیپلماسی عمومی در کالبد سیاست‌های جهانی در دهه‌های اخیر، ضرورت پیوست آن را به تمام سیاست‌های داخلی و خارجی فراهم کرده است، اما باید توجه داشت که امام علی (علیه‌السلام) حدود چهارده قرن پیش، روند تعاملات دیپلماسی عمومی را در سیاست‌گذاری‌های خویش به‌عنوان یک اصل سیاسی مد نظر قرار داده بودند. بر این اساس، مطالعه‌ی اندیشه‌ی امام علی (علیه‌السلام) در زمینه‌ی مورد بررسی چارچوبی مدون از تنظیم دستور کار دیپلماسی عمومی در گفتمان اسلامی ارائه می‌دهد.

شناخت شاخص‌های دیپلماسی عمومی در اندیشه‌ی امام علی (علیه‌السلام) علاوه بر ارائه‌ی دستور کار مدون فرایند دیپلماسی عمومی در اسلام، تفاوت‌های دیدگاه اسلامی و غربی را نیز در زمینه‌ی مورد بررسی مشخص می‌کند؛ لذا سؤال اصلی پژوهش این است که شاخص‌های مدیریت دیپلماسی عمومی در اندیشه‌ی امام علی (علیه‌السلام) بر چه مبنایی قرار دارد؟ فرضیه و ادعای اصلی پژوهش این است که شاخص‌های مدیریت دیپلماسی عمومی در اندیشه‌ی ایشان بر مبنای تکریم انسانیت و در راستای اهداف صلح و امنیت جهانی است.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های سیاسی، افکار عمومی، جهانی‌سازی، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم.

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی.

Public diplomacy from Imam Ali's point of view: Islamic pattern in international relationship

In this study an Islamic pattern of public diplomacy in international relationships based on Imam Ali's strategic and executive policies is presented. As one of soft power tools, public diplomacy needs value and general norm management, in a way that its fair measures reveals constant attractiveness on the system. Although, in last decades, relevance of public diplomacy in global policy framework has necessitated its consideration in all internal and foreign policies, but it must be noted that, 14 centuries before, Imam Ali had regarded public policy as a political principle in his policy makings. In this regard, study of Imam Ali's thoughts in this field could provide a framework of public diplomacy in Islamic dialogue.

Knowledge on public diplomacy indices in Imam Ali's thoughts, could also determine the differences between western and Islamic views in this field. The main question of the research is about the basis of Imam Ali's public diplomacy management. The main hypothesis of this study is that Imam Ali's public diplomacy management is based on respect for humanity to reach to global peace and security.

Key words: political values, public opinions, globalization, public diplomacy, soft power.

مقدمه

دیپلماسی کلاسیک یا دیپلماسی کابینه‌ای شامل پیام‌هایی است که مستقیماً از طرف یک مقام حاکم به حاکم دیگر و غالباً به صورت محرمانه فرستاده می‌شود؛ اما دولت‌ها برقراری ارتباط با عموم مردم کشورهای دیگر را نیز در راستای تأثیرگذاری بر دولت‌های دیگر از طریق مدل غیر مستقیم مفید یافته‌اند. این شکل غیر مستقیم از دیپلماسی، به عنوان دیپلماسی عمومی شناخته شده است (نای، ۱۳۹۰: ۱۶۷). بیشترین کاربرد دیپلماسی عمومی شامل بسیج و قاعده‌مند کردن منابع خاص متفرقه می‌باشد (Lord, 2006: 15). ارتقای صدای دیپلماسی عمومی در گفتمان جهانی با به اشتراک‌گذاری تجربیات انباشته شده می‌تواند مسیری واقعی در توانمندی کشورهای هدف باشد (Cull, 2009: 57). اظهارات دیپلماسی عمومی شامل تلاش‌های معاون وزیر امور خارجه در راستای مدیریت امور عمومی و دیپلماسی عمومی و همچنین نظارت بر اداره‌ی امور فرهنگی و آموزشی برنامه‌های اطلاعاتی بین‌المللی است (Ford, 2009: 6)؛ اما باید توجه داشت که وزارت امور خارجه، دیپلماسی عمومی و امور عمومی را در یک عملیات جداگانه اجرا کند (Nakamura and Weed, 2009: 55).

کاربرد مدرن اصطلاح دیپلماسی عمومی نخستین بار در سال ۱۹۶۴ در آمریکا توسط الموند گولیون، سفیر سابق آمریکا و رئیس مرکز دیپلماسی عمومی ادوارد مور در دانشکده حقوق و دیپلماسی «فلچر» دانشگاه «تافتز» به کار گرفته شده است (Pamment, 2013: 6). در این دوره، دیپلماسی عمومی با ترکیبی از اطلاعات، تبلیغات و فرهنگ در رقابت بین آمریکا و شوروی جهت رسیدن به اهداف بلندمدت استفاده شد و در پیروزی آمریکا در جنگ سرد نقش مهمی ایفا کرد (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰: ۸۱). به عنوان نمونه، دیپلماسی عمومی آمریکا در لائوس به ساخت آگاهی ملی در یک کشور جدید در نظر گرفته شده بود؛ پروسه‌ای که بعدها تحت عنوان ملت‌سازی نام گرفت (Richmond, 2008: 36). بر این اساس، دیپلماسی عمومی عبارت است از ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۹۰). اگرچه لائوس اعتبار حقیقی اندکی برای ایالات متحده آمریکا دارد- در حال حاضر یکی از فقیرترین کشورهای آسیایی است- اما در آن برحه‌ی زمانی برای واشنگتن به عنوان دومینوی آسیای جنوب شرقی محسوب می‌شد. بر اساس تئوری دومینو، اگر لائوس یا کامبوج گرفتار کمونیسم می‌شدند، تایلند می‌توانست کشور بعدی باشد و در نهایت این به معنای از دست دادن تمام آسیای جنوب شرقی بود؛ و این یعنی این که لائوس با جمعیت کمی شاید حدود دو میلیون نفر در سال ۱۹۵۴، در جنگ سرد اساس رقابت بین کمونیسم، غیر متعهدها و احزاب راست‌گرا، و به عنوان کانون بحران بین ابرقدرت‌ها بود؛ دیپلماسی عمومی این‌جا به عنوان یک ابزار مهم در سیاست خارجی آمریکا مطرح شد (Richmond, 2008: 23-24).

آژانس اطلاعات آمریکا که در سال ۱۹۵۳ در واشنگتن ایجاد شده بود ابزار بهره‌برداری ایدئولوژیکی را در طول جنگ سرد مورد توجه قرار داد. این آژانس نقش یک پیش‌آهنگ توسعه را در استراتژی ملی اطلاعات ماوراء بحار و بهره‌برداری فرهنگی انجام داد (Dizard Jr, 2004: 4).

همچنین در مدت کنفرانس سران واشنگتن در سال ۱۹۸۷ موضوع شایعه‌پراکنی به‌عنوان ابزار شورای دیپلماسی عمومی و الحاق غرب به شورای عمومی از طریق رسانه، یک موضوع حیاتی بود (Fortner, 1994:8). با تعطیلی آژانس در سال ۱۹۹۹ سیاست و چارچوب عملیاتی آمریکا در ابعاد دیپلماسی عمومی شکل گرفت (Dizard Jr, 2004:4).

انعطاف‌پذیری فزاینده‌ی سازمان‌های مردم‌نهاد در استفاده از شبکه‌ها، باعث اوج‌گیری چیزی شده که برخی آن‌را «دیپلماسی عمومی نوین» می‌خوانند، که دیگر محدود به رساندن پیام، ترویج کارزارها یا حتی تماس مستقیم دولتی با افکار عمومی خارج از کشور برای رسیدن به اغراض سیاست خارجی نیست. در این رویکرد به دیپلماسی عمومی، سیاست دولت به سمت ترویج و مشارکت هدف‌گیری شده است. تکامل دیپلماسی عمومی از ارتباطات یک‌سویه به یک مدل گفت‌وگوی دوسویه، با افکار عمومی به مثابه‌ی شرکای متعامل در خلق معنا و ارتباط رفتار می‌کند (نای، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۷۵). بر این اساس، دیپلماسی عمومی به اقتضای شرایط نوین دنیای امروز، دیگر رابطه‌ای یک‌سویه، تصویرمحور و مبتنی بر تک‌گویی و ارتباط نامتقارن با مخاطبان برای تغییر رفتار و کنترل آنان نیست، بلکه حکم تعاملی دوسویه، متقارن و گفت‌وگومحور را پیدا کرده است که هدف رسیدن به شناخت و درک مشترک و تقویت اشتراکات را دنبال می‌کند و به دیدگاه‌های مخاطبان نیز توجه دارد (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۵۶).

اگرچه درک رایج دیپلماسی عمومی بیشتر مبنی بر مفاهیم غربی همانند قدرت نرم است؛ و دیپلماسی عمومی به‌عنوان رویه‌ای در ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی با سیستم‌های سیاسی دموکراتیک شناخته شده است (Hooghe, 2015:7)؛ اما باید توجه داشت که دین اسلام از همان ابتدای ظهور خود از دیپلماسی عمومی به‌منظور دعوت ملت‌ها، اقوام و قبایل دیگر به اسلام و پذیرش توحید و یکتاپرستی استفاده کرده است (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۸۸: ۱۹)؛ و چه زیبا فرمودند امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) که «بسا سخن که از حمله‌ی مسلحانه کارگزر است» (نهج‌البلاغه، ج ۳۹۴: ۵۱۹). بر این اساس، گفتمان چه در قالب مذاکرات و نشست‌های کلاسیک با همتایان دیپلماتیک، و چه در قالب تعامل و ارتباط با افکار عمومی، دارای بار مثبت و منفی پتانسیل قدرت است که می‌تواند منجر به کسب نتایج مطلوب و یا نامطلوب شود. آن‌چه باید در این راستا مد نظر قرار داد کشف و شناسایی اشتراکات و منافع عامه و چگونگی پیوند و تعامل با آن است. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در این رابطه می‌فرماید: «هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه‌های آنان است» (نهج‌البلاغه، ج ۴۰۱: ۵۱۹). پس باید توجه داشت که روند تعاملات در دیپلماسی عمومی کاملاً آگاهانه و در چارچوب محاسبات انجام شده بر مبنای ترویج و مشارکت در ارزش‌های عام جهان‌شمول تنظیم شود. در ادامه با استناد به فرمایشات امام علی (علیه‌السلام) الگوی اسلامی دیپلماسی عمومی جهت تنظیم دستورکار در عرصه‌ی روابط بین‌الملل ارائه می‌شود.

۱. مدیریت افکار عمومی در فرایند دیپلماسی عمومی

پایه‌ی منطقی راهبرد دیپلماسی عمومی چه در شکل سنتی و چه در شکل نوین آن افکار عمومی است. ضریب موفقیت این راهبرد که در ارتباط مستقیم با افزایش و ثبات قدرت نرم قرار دارد بسته به نوع مدیریت آن موجبات کاهش و یا افزایش اقتدار یک کشور را فراهم می‌کند؛ بر این اساس موفقیت در اجرای راهبرد دیپلماسی عمومی نیازمند مدیریت تخصصی در چارچوب‌دهی و تنظیم دستور کار است. جهت ادامه‌ی بحث و بررسی به قسمتی از سخنان امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) در نامه‌ی ۵۳ نهج‌البلاغه استناد می‌شود. امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) می‌فرماید:

پس ای مالک، بدان! من تو را به سوی شهرهایی فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل یا ستم‌گری بر آن حکم راندند... با دانشمندان فراوان گفت‌وگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه‌ی آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت(نهج‌البلاغه، ن ۵۳: ۴۰۷-۴۰۳).

شاخص‌های مدیریت افکار عمومی جهت اجرای راهبرد دیپلماسی عمومی در اندیشه‌ی امام علی(علیه‌السلام) در ساختار توازن حقوق و از رابطه‌ی حق و تکلیف نشأت می‌گیرد، بر این اساس، تکلیف و مسئولیت زمامداران، ضمانت اجرای حقوق افکار عمومی است. مؤلفه‌های مدیریت افکار عمومی در اندیشه‌ی امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) عبارتند از:

- ۱) در ساختار توازن حقوق، اشاعه‌ی عملکردهای سیاسی زمامداران ملاک قضاوت افکار عمومی است نه شعارهای تبلیغاتی آنان.
- ۲) در ساختار توازن حقوق، عدل و انصاف، معیار عملکرد حاکمان است نه انحصارطلبی و سودمحوری.
- ۳) در ساختار توازن حقوق، افکار عمومی ابزار افزایش قدرت سیاستمداران نیستند بلکه ارکان تکلیف آنان هستند، پس تعامل با عموم مردم بر پایه‌ی رحمت و عطف شکل می‌گیرد نه بر اساس چپاول و غارت.
- ۴) در ساختار توازن حقوق، کلیه‌ی ابعاد مدیریتی بر اساس راهبرد مساوات بشر در برخورداری عادلانه از حقوق اجرا می‌شود نه تبعیض و آپارتاید.
- ۵) در ساختار توازن حقوق، انعطاف‌پذیری حاکمان در برابر خطای مردم، به‌عنوان یک اصل حکومتی پذیرفته شده است، پس خطای مردم محک بخشش و ایثار حاکمان است نه جواز استبداد و ستم آنان.
- ۶) در ساختار توازن حقوق، قدرت زمامداران عامل افزایش تواضع و فروتنی آنان در برابر مردم است نه تکبر و خودبزرگ‌بینی.
- ۷) در ساختار توازن حقوق، سیاست‌های عادلانه بر اساس عدالت عام و مطلق در دستور کار قرار می‌گیرد نه عدالت تبعیضی و نسبی.
- ۸) در ساختار توازن حقوق، زمامداران مسئول تعادل و توازن حقوق عموم مردم هستند نه بانی سلب حقوق آن‌ها.
- ۹) در ساختار توازن حقوق، زمامداران با جلب خشنودی اکثریت متراکم در دامنه‌ی هرم طبقاتی، حذف شکاف طبقاتی جامعه را در دستور کار قرار می‌دهند نه ثبات و گسترش آن‌را.
- ۱۰) در ساختار توازن حقوق، حاکمان با پرهیز از افشاگری، پرهیز از مسائل حاشیه‌ای و مبهم، پرهیز از قضاوت زود هنگام، و مدیریت اختلافات داخلی، عامل وحدت‌گرایی ملت هستند نه اسباب تفرقه‌انگیزی.

۱۱) در ساختار توازن حقوق، هرگونه استبداد و خود رأیی نفی می‌شود و مشاوره در امور کشوری به‌عنوان یک اصل حکومتی پذیرفته شده است. اهمیت مشاوره در امور حکومتی موجب شده است که مدیریت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) ابعاد شخصیتی مشاوران را نیز در ساختار توازن حقوق مد نظر قرار دهند.

۱۲) در ساختار توازن حقوق، ارتقای سطح کیفی خدمات رفاهی، تنزل سطح کمی مالیات، و پرهیز از سیاست‌های تحمیلی به مردم، مهم‌ترین ابزار مدیریتی در راستای اعتمادسازی مردم به زمامداران است.

۱۳) در ساختار توازن حقوق، ترقی و تجدد در زمینه‌های علمی و صنعتی با حفظ بنیادهای هویت فرهنگی صورت می‌گیرد. در این راستا سیاست‌های مبتنی بر مدیریت توسعه و فناوری از کانال مذاکرات فراوان با دانشمندان و مباحثات فراوان با حکیمان، یعنی تلفیق علم و معرفت، چارچوب‌دهی می‌شود. اندیشه‌های امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) پیوند ناگسستنی با ترقی و نوسازی دارد اما این ترقی و شکوفایی علمی صنعتی نافی مهندسی هویتی در بخش سنت‌های اصیل جامعه است.

رعایت شاخص‌های مدیریت افکار عمومی علاوه بر این که موجب مشروعیت رفتار سیاسی و در نتیجه حمایت افکار عمومی از سیاست‌های دولت و حصول نتایج مثبت در راهبرد دیپلماسی عمومی است، موجبات ترقی و توسعه را نیز فراهم می‌کند. افکار عمومی در چنین فضایی به حمایت از سیاست‌های دولت، متمایل می‌شود؛ به‌عبارتی مدیریت قدرت هوشمند در ساختار توازن حقوق جهت بهره‌برداری از راهبرد دیپلماسی عمومی، در تبدیل عناصر قدرت سخت و قدرت نرم به رفتار قدرت، با تطبیق برون‌داد و خروجی‌های رفتار سیاسی با عدالت اجتماعی، به خلق الویت‌های افکار عمومی می‌پردازد. مورگنتا می‌گوید:

برای آن که حکومتی در سیاست داخلی و خارجی خود به یک اندازه موفق باشد، باید به سه نیاز پاسخ مثبت دهد. اولاً حکومت باید تشخیص دهد که تعارض میان ضرورت‌های سیاست خارجی خوب و الویت‌های افکار عمومی امری ماهوی است و بنابراین اجتناب ناپذیر است، و شاید بتوان آن را محدود کرد، اما هرگز نمی‌توان با امتیاز دادن به مخالفین داخلی آن را از بین برد. ثانیاً، حکومت باید تشخیص دهد که رهبر افکار عمومی است نه برده‌ی آن؛ افکار عمومی پدیده‌ی ایستایی نیست که بتوان همان‌گونه که گیاه‌شناسان گیاهان را کشف و طبقه‌بندی می‌کنند، با نظرسنجی آن را کشف و طبقه‌بندی کرد، بلکه پدیده‌ای پویا و دائم‌التغییر است که رهبری مطلع و مسئول دائماً آن را می‌آفریند و بازآفرینی می‌کند. ثالثاً، حکومت باید میان آن چه در سیاست خارجی مطلوب است و آن چه اساسی است تفکیک قائل شود، و در حالی که می‌تواند در مورد مسائل غیر اساسی با افکار عمومی به سازش برسد، در مورد آن چه حداقل غیر قابل تقلیل یک سیاست خارجی خوب تلقی می‌کند، باید (حتی به بهای پذیرش خطر برای سرنوشت آینده‌ی خود) بجنگد (مورگنتا، ۱۳۸۹: ۲۶۲-۲۶۱).

دستورالعمل مدیریتی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در راستای اجرای راهبرد دیپلماسی عمومی به‌گونه‌ای طراحی شده است که علاوه بر تطبیق اهداف و منافع ثابت حکومت اسلامی در سطح داخلی و خارجی با الویت‌های افکار عمومی، انعطاف‌پذیری در مورد مسائل غیر اساسی را نیز مد نظر قرار می‌دهد؛ بر این اساس، نه حاکمان برده‌ی افکار عمومی هستند و نه افکار عمومی ابزار استثمار و عوام‌فریبی حاکمان هستند. نای می‌گوید:

مقدار زیادی از قدرت نرم آمریکا به وسیله‌ی هالیوود، هاروارد، مایکروسافت و مایکل جردن به‌وجود آمده است (نای، ۱۳۸۹: ۶۰).

اگر قدرت نرم آمریکا در تصویرسازی‌ها و سخن‌پراکنی‌های بنگاه‌های تبلیغاتی و از کانال تسلط بر اذهان کسب می‌شود، قدرت نرم حکومت امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) در خروجی‌های عملکرد سیاسی منطبق بر عدالت اجتماعی و از کانال توازن عادلانه‌ی حقوق کسب می‌شود.

قدرت‌های بزرگ در سطح بین‌المللی در ارتباط با جریانات افشاگرانه‌ی سیاسی، با استفاده از قدرت تبلیغات، امواج تفرقه‌های داخلی و بین‌المللی را موجب می‌شوند، امواجی که با ایجاد فضای ناامنی، زمینه‌ساز مداخله‌های سیاسی و نظامی آنان است، مداخله‌هایی که در چارچوب منافع آنان صورت می‌گیرد و ماحصلی جز افزایش ناامنی و تخریب توازن حقوق در کشور و یا منطقه‌ی هدف ندارد؛ تخریب توازنی که موجب افزایش شکاف طبقاتی و شکاف توسعه در سطح بین‌المللی می‌شود، شکافی که به بهانه‌ی حل و فصل آن، با مشاوره‌ی مشاوران بخیل، کمک‌های انسان‌دوستانه‌ی سود محور؛ مشاوران ترسو، کمک‌های اقتصادی سلبی؛ مشاوران حریص، کمک‌های بلاعوض با ماهیت سود دهی سیاسی و اقتصادی پیشنهاد می‌شود؛ پیشنهادهایی که وزرای باهوش و باتجربه و دارای سوابق فساد و ستم‌گری، با هدف دامپینگ آن‌را دنبال می‌کنند تا وابستگی کشور و یا منطقه‌ی هدف را در راستای منافع خود ایجاد کنند، منافعی که در راستای اعتقادات جریان‌های مذهبی افراطی و تندرو با تهاجم و نسل‌کشی، و چپاول و غارت به چنگ می‌آید؛ و این همه ظلم و ستم، عدم اعمال سیاست‌های تنبیهی از جانب نهادهای بین‌المللی را به دنبال دارد، عدم اقدامات تنبیهی که در حق حاکمیت کشورها توجیه می‌شود؛ و این‌گونه می‌شود که تصویرسازی‌ها در راستای اقناع جانبی افکار عمومی افزایش، و اطلاعات در قالب تبلیغات تنزل می‌یابد، تا سیاست‌های تهاجمی و نسل‌کشی‌ها در پوشش حقوق بشر جلوه‌نمایی کند. نای می‌گوید:

ایالات متحده مدت زیادی است که با تجدد همراه گردیده، مدرنیته‌ای که برخی از مردم به آن به‌عنوان تهدیدی علیه فرهنگ خود می‌نگرند(نای، ۱۳۸۹: ۹۴).

مدرنیته‌ی آمریکا از آن‌جا که ناعادلانه تیشه بر ریشه‌ی فرهنگ کهن ملت‌ها وارد می‌سازد و تجدد و نوسازی را وارد عرصه‌ی هویتی کرده است، تهدیدی علیه بقای هویت ملت‌ها محسوب می‌شود. اجرای راهبرد دیپلماسی عمومی در هر دو سطح خرد و کلان، مؤثر و موجد بازتاب‌های مثبت و منفی است، بازتاب‌هایی که با توجه به اهداف مدیریت، عامل انسجام فرهنگی کشورها در راستای صلح و امنیت، و یا شکاف فرهنگی در راستای جنگ و ناامنی می‌شود، شکافی که محصول منعطف‌محوری مدیریت سیاسی است، منفعتی که فوریت تزریق فرهنگ لیبرال دموکراسی، با ویروس اهانت به مقدسات مذهبی هویتی، در سطح جهانی را موجب می‌شود، تزریقی ناهمگون که زمینه‌ساز مقاومت هنجاری در سطح داخلی و منطقه‌ای شده است، مقاومت‌هایی که پذیرای مهندسی هویتی غرب نیستند، مهندسی‌های تحمیلی و ناعادلانه‌ای که پذیرش و یا عدم پذیرش آن، برگ برنده محسوب می‌شود، برگ برنده‌ای که تطبیق در پذیرش آن با ایجاد وابستگی، زمینه‌ساز مداخلات غیر حضوری؛ و مقاومت در عدم پذیرش آن با ایجاد بی‌ثباتی، زمینه‌ساز مداخلات حضوری، در راستای منافع سیاسی مدعیان ابرقدرتی است، و این روابط و تعاملات نامتقارن و ناعادلانه‌ی راهبرد دیپلماسی عمومی است، روابط و تعاملاتی که تجاوز فرهنگی در فضای سایبری را با تسلیحات کشتار جمعی مذهب و هویت، و گاز شیمیایی تفرقه در قالب فیلم و سرود و تبلیغات، و با هدف تخریب و رکود اذهان، در دستور کار قرار می‌دهد، تا با ایجاد فضای رکود فکری، مهار اذهان را در راستای پیش‌برد منافع سیاسی به‌دست گیرد؛ و این نماد مدیریت ظالمانه‌ی افکار عمومی در راهبرد دیپلماسی عمومی است که در جذابیت‌های تصویرسازی و سخن‌پراکنی محو می‌شود.

افکار عمومی، این منبع عظیم قدرت ملی، جهت هماهنگی در راستای حمایت از سیاست‌های دولت، نیاز به مهار ندارد، بلکه نیازمند مدیریت عادلانه در راستای برقراری توازن حقوق است، مدیریتی که نه افکار عمومی را بر سیاست مسلط، و نه سیاست را بر افکار عمومی مسلط می‌کند، بلکه با رعایت شاخص‌های مدیریتی افکار عمومی، موجبات اعتبار و مشروعیت سیاست‌ها و در نتیجه حمایت افکار عمومی را از سیاست‌های حکومت فراهم می‌کند، حمایتی اختیاری که در وادی توازن حقوق و در راستای برپایی عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد، نه حمایتی اجباری که در وادی استثمار اذهان و در راستای منفعت‌محوری و انحصارگرایی شکل گیرد. شاخص‌های مدیریت افکار عمومی در تبدیل به رفتار قدرت، خروجی‌های جذاب منطبق بر ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی عام جهان‌شمول را صادر می‌کند، ویژگی‌هایی که بر مبنای عدالت اجتماعی اشاعه می‌یابد.

۲. مدیریت تعامل و گفت‌وگو در فرایند دیپلماسی عمومی

فرمایشات امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) که بازتاب راهبرد ارتباطی ایشان است به‌صورت عام و کلی بیان شده است و مختص زمان و مکان خاصی نیست. مدیریت امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) در فرایند دیپلماسی عمومی به‌گونه‌ای است که شعاع و دامنه‌ی راهبرد ارتباطی ایشان را فرای زمان و مکان جهت می‌دهد و گرایش و الگوپذیری مخاطبان را در مکان‌ها و زمان‌های مختلف موجب می‌شود. برای نمونه، اولین سخنرانی امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) پس از بیعت مردم مدینه با ایشان، در سال ۳۵ هجری مورد بررسی قرار می‌گیرد. امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) در این راهبرد ارتباطی علاوه بر بیان شاخص‌های حکومت دموکراسی یا مردم‌سالاری، فرایند تعامل مردم با مسئولین را نیز بر مبنای گفت‌وگو متقابل اطلاع‌رسانی می‌کنند. امام علی(علیه‌السلام) می‌فرمایند:

آن چه می‌گویم به‌عهده می‌گیرم و خود به آن پایبندم. کسی که عبرت‌ها برای او آشکار شود، و از عذاب آن پند گیرد، تقوا و خویشتنداری او را از سقوط در شبهات نگه می‌دارد... (نهج البلاغه، خ: ۱۶: ۳۹-۴۱).

این که امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) در اولین روز حکومت، برنامه‌ها و سیاست‌های دولت را اطلاع‌رسانی می‌کنند یعنی لزوم تداوم تعامل مسئولین با مردم در حکومت دموکراسی، حکومت مردم‌سالاری یا دموکراسی صرف مشارکت مردم در رأی دادن نیست بلکه مردم باید در تعامل با مسئولین، در جریان اهداف و برنامه‌های دولت قرار گیرند؛ این که امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) می‌فرمایند آن چه می‌گویم به‌عهده می‌گیرم و خود به آن پایبندم، یعنی لزوم تطبیق سیاست‌های اعلانی با سیاست‌های اعمالی؛ اگر امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) از تقوا و خویشتنداری به‌عنوان سپر مقاومت در برابر شبهات یاد می‌کنند یعنی لزوم پیروی از ارزش‌ها و پرهیز از ضدارزش‌ها جهت نیل به وحدت پایدار در راستای جهانی‌سازی؛ اگر امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) از هجوم آزمایش‌ها و تیره‌روزی‌ها سخن می‌گویند یعنی لزوم تغییرات بنیادین در ارکان حکومتی جهت تطبیق ماهیت حکومت با ساختار آن؛ وقتی امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) می‌فرمایند آنان که به ناحق پیشی گرفته بودند عقب زده خواهند

شد یعنی لزوم چینش عادلانه و رعایت شایسته‌سالاری در پیکره‌ی حکومت دموکراتیک؛ سوگند یاد کردن امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) مبنی بر نپوشاندن کلمه‌ای از حق، یعنی لزوم حق‌محوری مسئولین و پرهیز از سیاست‌های عوام‌فریبانه؛ این‌که امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) می‌فرمایند طرفداران جبهه‌ی حق اندکند یعنی ملاک‌گزینش در بلوک‌بندی‌ها و اتحادها، کیفیت عملکرد باشد نه کمیت اعضا؛ اطلاع‌رسانی از مرزبندی جبهه‌ی حق و باطل یعنی لزوم توجه به ماهیت احزاب و پرهیز از افراط و تفریط؛ اگر امیرالمؤمنین می‌فرمایند مسایل میان خودتان را اصلاح کنید یعنی استقلال و خودکفایی در مدیریت مسایل و مشکلات داخلی مانع از سرایت آن به سطح بحران‌های لاینحل بین‌المللی می‌شود؛ این‌که امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) می‌فرمایند جز پروردگار خود دیگری را ستایش نکنید یعنی لزوم پاسخ‌گویی مسئولین در برابر مردم، زیرا تملق و ستایش دولت‌مردان مانع از پیشرفت کیفی امور کشور می‌شود؛ و این‌که می‌فرمایند جز خویشتن خویش دیگری را سرزنش ننمایید یعنی لزوم نظارت مردم بر سیستم حکومتی، زیرا ظلم و ستم دولت‌مردان در فضای سکوت مردم شکل می‌گیرد؛ و این‌ها همه یعنی این‌که حکومت دموکراسی یا مردم‌سالاری دینی بر مبنای گفت‌وگو متقابل و عدالت‌محور استوار است. نای می‌گوید:

اگر یک راهبرد ارتباطاتی بر خلاف سمت و سوی سیاست باشد، نمی‌تواند موفقیتی ایجاد نماید. صدای «کرده»ها بلندتر از «گفته»ها است؛ دیپلماسی عمومی‌ای که صرفاً تزئیناتی ظاهری برای اعمال قدرت سخت به‌نظر می‌رسد، به احتمال زیاد نمی‌تواند موفق باشد(نای، ۱۳۹۰: ۱۷۳). قدرت‌های بزرگ، تلاش می‌کنند از فرهنگ و روایتی برای ایجاد قدرت نرم استفاده کنند که مزیت آن‌ها را ترویج دهد، اما در صورتی که کلمات و نمادها، با واقعیت‌های داخلی هم‌خوانی نداشته باشد، این کار همیشه کار آسانی نیست(نای، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

راهبرد ارتباطی امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) در فرایند دیپلماسی عمومی، در تطبیق با عملکردهای سیاسی ایشان قرار دارد و همین امر موجب ترویج جذابیت‌های حکومت ایشان، فرای زمان و مکان شد؛ و این‌ها همه یعنی این‌که امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) ۱۴۰۰ سال پیش، اشاعه‌ی اصول محوری دموکراسی اصیل را در دستور کار قرار داد و عملیاتی کرد؛ به‌عبارتی دموکراسی اصیلی که در چهارده قرن پیش، مسلمانان طعم آن‌را در حکومت امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) چشیده‌اند، هنوز هم اذهان و قلوب را مجذوب خود کرده است و جایی برای دموکراسی تجویزی و وارداتی با ماهیتی انحصاری و منفعتی باقی نمی‌گذارد.

۳. مدیریت برنامه مبادلات فرهنگی و آموزشی در فرایند دیپلماسی عمومی

امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) علاوه بر مدیریت تعامل و گفت‌وگو در راهبرد دیپلماسی عمومی، برنامه مبادلات فرهنگی و آموزشی را نیز در سطح نخبگان و دانشمندان ممالک گوناگون در دستور کار قرار داده بودند. سرمایه‌گذاری‌های امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) در زمینه‌های علمی، علاوه بر استحکام پایه‌های منشور قدرت و اقتدار حکومت اسلامی، موجبات نشر آثار و عقاید اسلامی را در سراسر جهان فراهم نمود. امام

علی(علیه‌السلام) با مدیریت مجالس مباحثه و مناظرات علمی با دانشمندان ادیان و مذاهب گوناگون از ممالک مختلف، جذابیت‌های علمی و فرهنگی اسلام سیاسی و نیز مشروعیت اهداف حکومت اسلامی را در سطح کلان اشاعه دادند.

مناطق‌ی که در قرون دوم به بعد به‌عنوان مراکز علمی اسلامی شناخته شدند در قرن اول توسط امام علی(علیه‌السلام) و شاگردان وی به‌خصوص ابن عباس و ابن مسعود واجد ظرفیت علمی شده و افرادی در این بلاد تربیت شده‌اند که دارای ذوق و بهره‌ی علمی بوده‌اند و همین دانشمندان هستند که در قرن دوم و بعد از آن به‌عنوان مراجع و اساتید علوم دینی، منشأ رواج دانش در این مناطق گشته‌اند. البته روشن است که منظور از این نسبت علمی در قرون بعد به امام علی(علیه‌السلام) این نیست که لزوماً دانشمندان در این دوره‌ها و بلاد، امامت امام علی(علیه‌السلام) را پذیرفته‌اند یا بدون تصرف در دانش و رأی و نظر شخصی به وحی ملتزم بوده‌اند، بلکه مراد این است که شکل‌گیری جریان علم و دانش و نضج فرهنگ و ادبیات علمی در این بلاد بدون توجه به تأثیر و پایه‌گذاری‌های امام علی(علیه‌السلام) و شاگردانش توجیه و تبیین تاریخی ندارد(ابطحی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۳). نای می‌گوید:

مبادلات علمی و دانشگاهی نیز نقش مهمی را در افزایش قدرت نرم آمریکا ایفا می‌کند. ... به‌دلیل این‌که مبادلات علمی بر نخبگان جامعه تأثیر می‌گذارد لذا یک یا دو تماس مهم، ممکن است تأثیرات سیاسی زیادی داشته باشد. برای مثال الکساندر یاخلف تحت تأثیر بسیار زیاد استاد علوم سیاسی دوران تحصیلش در دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۵۸، یعنی دپوید ترومن قرار داشت. وی سرانجام رییس یکی از نهادهای مهم و یکی از روشنفکران کلیدی در زمان رهبری مخائیل گورباچف شد. الگ کالوگین از هم‌شاگردان وی، و یکی از مقامات بلند پایه‌ی کا گ ب، گفته بود که «با نگاهی به گذشته و قبل از سال ۱۹۹۷ می‌توان دریافت که مبادلات(دانشگاهی) برای اتحاد جماهیر شوروی همانند اسب تروا بود. این مبادلات نقش بزرگی را در فرسایش سیستم شوروی ایفا کردند. ... و در طول سال‌ها مردم را بیشتر و بیشتر آلوده می‌کردند». جذابیت و قدرت نرمی که از تماس‌های فرهنگی میان نخبگان به‌وجود می‌آید، سهم مهمی را در اهداف سیاسی آمریکا ایفا می‌کرد(نای، ۱۳۸۹: ۱۰۴-۱۰۲).

جذابیت و قدرت نرمی که از تماس‌های فرهنگی میان نخبگان، مد نظر نای است، در راستای منافع انحصاری و سودمحور آمریکا قرار دارد؛ اما جذابیت و قدرت نرمی که از محل تماس‌های فرهنگی میان نخبگان ممالک و مذاهب گوناگون با امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) حاصل شد در راستای منافع عام بشردوستانه قرار داشت. برای مثال، امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) مردم را به‌صورت عام و کلی خطاب قرار می‌دهند و می‌فرمایند:

از خدا بترسید، و تقوا پیشه کنید، زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسئول بندگان خدا، شهرها، زمین‌ها و حیوانات هستید. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز نزنید، اگر خیری دیدید برگزینید و اگر شر و بدی دیدید از آن دوری کنید(نهج‌البلاغه، خ: ۱۶۷: ۲۲۹).

این‌که امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) می‌فرمایند تقوا پیشه کنید یعنی از انحصارگرایی و منفعت‌طلبی بپرهیزید؛ اگر از مسئولیت در برابر بندگان خدا سخن می‌گویند یعنی لزوم رعایت حقوق بشر، حمایت از زنان و کودکان و افراد ناتوان، اهمیت سلامت و بهداشت انسان‌ها، لزوم پیشگیری از بیماری‌های مسری، و لزوم مقابله با فقر و گرسنگی؛ اگر از مسئولیت در برابر شهرها سخن می‌گویند یعنی لزوم توسعه‌ی اجتماعی اقتصادی در شهرها؛ اگر از مسئولیت در برابر زمین‌ها و حیوانات سخن می‌گویند یعنی لزوم حفاظت از پایداری زیست محیطی؛ اگر از

گزینش خیر سخن می‌گویند یعنی لزوم برقراری صلح و امنیت جهانی؛ اگر از پرهیز از شر و بدی سخن می‌گویند یعنی نفی هر گونه تهاجم و تجاوز؛ و این‌ها همه، با یک مشارکت جهانی از سطح خرد شروع و به سطح کلان گسترش می‌یابد. دغدغه‌های جهانی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) که در چهارده قرن گذشته به مقام تجربی رسید و در پهنای وسیع حکومت اسلامی عملیاتی شد، در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، در نشست‌های بین‌المللی مطرح شد و در ابتدای قرن بیست‌ویکم تحت عنوان «اهداف توسعه‌ی هزاره» به تصویب مجمع عمومی رسید، اما همانند بسیاری از طرح‌های بشر دوستانه‌ی دیگر، در کانال لابی‌گری‌ها محو شد و به مرحله‌ی اجرا نرسید.

امام علی (علیه‌السلام) در جهان بشریت چنان تحول علمی ایجاد کرده است که شعاع تأثیرات آن، روز به روز، رو به فزونی گذاشته، تا جایی که هر قدر دانش گسترده و چراغ علم در جهان فروزان‌تر می‌شود، عظمت علمی آن حضرت نیز بیشتر جلوه‌گر می‌شود. امروز بشریت پس از چهارده قرن پیشرفت حیرت‌انگیز علمی، در مقابل رتبه‌ی والای علمی و شئون فکری حضرت علی (علیه‌السلام) قد خم می‌کند و حالت تواضع به‌خود می‌گیرد (مصطفوی‌نیا و فرخیان، ۱۳۸۹: ۱۹۵-۱۹۴). لامنس، مستشرق معروف بلژیکی در وصف امام علی (علیه‌السلام) چنین می‌نویسد:

برای عظمت علی (علیه‌السلام) همین بس که تمام اخبار و تواریخ علمی اسلامی از او سرچشمه می‌گیرد. او حافظه و قوه‌ی شگفت‌انگیزی داشته است. همه‌ی علما و دانشمندان، اخبار احادیث خود را برای وثوق و اعتبار به او می‌رسانند. علمای اسلام از موافق و مخالف، از دوست و دشمن، مفتخرند که گفتار خود را به علی (علیه‌السلام) مستند دارند، چون گفتار او حجیت قطعی داشت و او باب مدینه‌ی علم بود و با روح کلی پیوستگی تام داشت (احمدی ندوشن، ۱۳۹۰: ۵۴).

۴. مدیریت تصویر و اعتبار در فرایند دیپلماسی عمومی

راهبرد ارتباطی در فرایند دیپلماسی عمومی بر مبنای اشتراکات و نیازمندی‌های عام جهانی قرار دارد. آنچه منافع ملی را به منافع جهانی پیوند می‌دهد ترویج و مشارکت ارزش‌های عام جهان‌شمول است و آنچه موجبات استحکام و ثبات جذابیت‌های قدرت نرم را فراهم می‌کند عملکردهای سیاسی منطبق با این ارزش‌ها است. رابطه‌سازی در مذاکرات و یا گفت‌وگو با افکار عمومی که به مثابه‌ی سهام‌داران اصلی در تولید قدرت کشورها هستند علاوه بر متقارن بودن باید عادلانه هم باشد. مدیریت راهبرد ارتباطی در فرایند دیپلماسی عمومی از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) که بازتاب اصول مدیریتی کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است بر محوریت تعاملی عادلانه پایه‌ریزی شده است. محور مذاکرات امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) با افکار عمومی جهان بر مبنای اشتراکات و نیازمندی‌های عام بشر قرار دارد و اصول مدیریتی ایشان که بر مبنای تطبیق سیاست‌های اعلانی با سیاست‌های اعمالی یا همان عملکردهای منطبق با گفتار قرار دارد، بازتاب تصاویر اعتباربخش است. جهت ادامه‌ی بحث به بخشی از فرمایشات امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) که بازتاب راهبرد ارتباطی ایشان در فرایند دیپلماسی عمومی است، استناد می‌شود.

... ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری و ترس از خدایی سفارش می‌کنم که بر شما جامه‌ها پوشانید، و وسایل زندگی شما را فراهم کرد... (نهج‌البلاغه، خ ۱۸۲: ۲۵۱-۲۴۵).

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در ابتدای سخنان خود با خطاب قرار دادن بندگان خدا، محدودیت زمانی و مکانی مخاطبین را حذف می‌کنند و همه‌ی مردم جهان را در هر عصری، مخاطب سخنان خویش قرار می‌دهند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در سخنان خود جهانیان را به جهاد علیه باطل دعوت می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند که با آزاداندیشی در مطالعه‌ی قرآن، شاخص تمیز حق از باطل را کسب کنند و با اندیشه و تعقل در حقوق الهی، ارزش‌ها را زنده و ضد ارزش‌ها را نابود سازند تا ظلم و ستم برچیده، و صلح و امنیت جهانی برقرار شود. امام علی (علیه السلام) از جهانیان می‌خواهند که با تمسک به اصول عدالت‌گستر ایشان قدم در مسیر جهاد علیه باطل بگذارند؛ آن‌جا که می‌فرمایند: «دریغ! از برادرانم که قرآن را خواندند و بر اساس آن قضاوت کردند، در واجبات الهی اندیشه کرده و آن‌ها را برپا داشتند، سنت‌های الهی را زنده و بدعت‌ها را نابود کردند، دعوت جهاد را پذیرفته و به رهبر خود اطمینان داشته و از او پیروی کردند. جهاد! جهاد!».

صلح جهانی نیازمند یاری حق در برابر ظلم و ستم است، پس شایسته است که طالبان صلح جهانی زره جهاد بر تن کنند و با دست و زبان و قلم به مصاف جبهه‌ی باطل بشتابند و به یاد داشته باشند که «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ غَلِيهَا مَا اَكْتَسَبَتْ» (قرآن، سوره بقره: ۲۸۶)؛ پس ضعف و ناتوانی، توجیه‌گر عدم حمایت از حق نیست، هرکس به اندازه‌ی توان، استحقاق گام برداشتن در مسیر دفاع از حق را دارد، حقی که در وحدت عقیده حول محور امامت شکل می‌گیرد، آن‌جا که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «آیا منتظرید رهبری جز من با شما همراهی کند و راه حق را به شما نشان دهد؟»؛ وحدت عقیده حول محور امامت، طالب تقوای الهی در نهان و آشکار است، تقوایی که تطبیق عقاید و گفتار و کردار را موجب شود، تطبیقی که با زره جهاد مستحکم می‌شود، جهادی که آغاز آن نه در جبهه‌ی دشمن، که در جبهه‌ی نفس است، نفسی سرکش که جز با کرنش در برابر حق یارای مقابله با باطل را نیابد.

اگر منابع قدرت نرم، ناملموس هستند، نتایج آن در جذابیت‌ها و انزجارهای حاصله قابل رؤیت و ملموس است. نتایج قدرت نرم در سیاست‌های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، شاخص عمل‌گرایی ایشان را تیره و برجسته می‌کند و جذابیت‌ها و اعتبارمندی را از زاویه‌ی عمل‌گرایی مدیریت می‌کند. میلسن می‌گوید:

تجربه‌ی بازاریابی می‌آموزد که، نشان دادن، مهم‌تر از گفتن است. نسبت به دیپلماسی عمومی آمریکا این نکته مستلزم آن است که عملکرد آمریکا در سطح جهانی پر سر و صداتر از هر سخن آرامی که ممکن است هم‌زمان با آن به صدا درآید، سخن خواهد گفت. جنگ در عراق و پیامدهای آن، محدودیت‌های قدرت ایالات متحده را به‌طور کلی در تنوعی از قدرت سخت و نرم‌اش، آشکار می‌کند. آن‌ها نشان می‌دهد که قلمرو مهندسی اجتماعی هم در سطح داخلی و هم در صحنه‌ی جهانی، محدود می‌شود. ... شکست در ایجاد ثبات در عراق و تبدیل کردن آن به یک الگو برای منطقه و عدم تصویب عمومی و مردمی سیاست‌های خارجی ایالات متحده نشانه‌های آشکاری از عدم تحقق و امکان ایجاد یک امپراتوری لیبرال، اصیل و با حسن نیت می‌باشد. اذهان مردمان جهان آشکارا و به اندازه‌ی کافی پیچیده شده است که بین پیام خوشبینانه و بسته‌بندی خیالبافانه‌ی لفاظی آمریکا و واقعیت کم‌تر تحلیلی سیاست‌های خارجی‌اش، تمایز قایل شوند. دیپلماسی عمومی آمریکا می‌تواند به گونه‌ای حاشیه‌ای بر افکار جهانی تأثیر گذارد و بعید است که یک رأی‌گیری به سود سیاست‌های خارجی آمریکا انجام شود. این امر بر آن دلالت دارد که تأثیر قدرت نرم و دیپلماسی عمومی، بدون آن‌که قاطع و فوری باشند، واقعی هستند... اگرچه امپریالیسم آمریکایی با وصف لیبرالیستی خوانده می‌شود، اما می‌توان گفت که در عمل مردم فقط امپریالیزم آن‌را درک می‌کنند و این موضوع است که تصویر آمریکا را شکل می‌دهد (میلسن و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۳۳).

واقعیت‌های قدرت نرم امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در دستورالعمل مدیریتی ایشان در راهبرد دیپلماسی عمومی حدود چهارده قرن گذشته در مقام تجربی عملیاتی شد. دستورالعمل مدیریتی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، معرف راهبرد امنیت ملی و جهانی با کارویژه‌ی مساوات بشر در برخورداری عادلانه از حقوق است. پیامدهای عدالت اجتماعی در راهبرد امنیتی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، هماهنگی و وسعت دامنه‌ی قدرت علوی در تنوعی از اشکال سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت را آشکار می‌کند که چگونه در راستای برپایی حقوق و اجرای عدالت هزینه‌فایده شد. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) پس از ضربت خوردن در وصیت به امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) فرمودند:

شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، به دنیا پرستی روی نیاورید، گر چه به سراغ شما آید، و بر آن چه از دنیا از دست می‌دهید اندوهناک مباشید؛ حق را بگویید، و برای پاداش الهی عمل کنید، و دشمن ستم‌گر و یاور ستم‌دیده باشید. شما و تمام فرزندان و خاندانم، و کسانی را که این وصیت به آن‌ها می‌رسد، به ترس از خدا، و نظم در امور زندگی، و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می‌کنم... (نهج‌البلاغه، ن: ۴۷: ۳۹۹).

عملکردها و دستورالعمل‌های سیاسی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) بازتاب عدالت اجتماعی است؛ به عبارتی، تصاویر اعتباربخش راهبرد دیپلماسی عمومی در مدیریت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نه از کانال تصویرسازی‌ها و واژه‌پردازی‌های بنگاه‌های تبلیغاتی، بلکه از کانال عمل-گرایی‌ها و بر مبنای عدالت اجتماعی و توازن حقوق اشاعه یافته است. سفارشات و دستورالعمل‌های امام علی (علیه‌السلام) نمایانگر دغدغه‌های ایشان از صلح و ثبات در سطح ملی و جهانی است. اگر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، سفارش به صلح‌گرایی و میانجی‌گری و پرهیز از منفعت‌محوری می‌کنند یعنی سیاست‌های داخلی و خارجی باید بر مبنای اخلاق و عدالت تعریف و اجرا شود. قدرت و سیاست باید منفعت‌زدایی شود و در چارچوب حقوق و عدالت قرار گیرد. منافع ملی و منافع بین‌المللی باید عادلانه و در توازن با حقوق عمومی کسب شود؛ اگر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) ملاک هزینه‌فایده را نه در سود و ضرر مادی که در سود و ضرر معنوی می‌دانند یعنی ملاک مواسات، مساعدت، وام، و انواع کمک-های بشردوستانه نباید انحصارگرایی و منفعت‌محوری باشد بلکه باید عادلانه و در راستای برپایی حق باشد؛ اگر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به اهمیت حقوق یتیمان و همسایگان سفارش می‌کنند یعنی مبنای روابط با دولت‌های ضعیف و دولت‌های همسایه باید بر اساس حذف شکاف طبقاتی و ثبات توازن حقوق باشد نه بر اساس استثمار و سلطه‌گری و سودجویی؛ اگر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به برقراری روابط با ستم-دیدگان و قطع روابط با ستم‌گران سفارش می‌کنند یعنی ملاک حضور در بلوک‌بندی‌های سیاسی نه بر اساس میزان بهره‌مندی از حمایت‌های سیاسی که بر اساس دفاع از حقوق مظلومین و جبهه‌گیری در برابر ستم‌گران است؛ اگر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، عمل به قرآن، برپایی نماز، و طواف کعبه را سفارش می‌کنند یعنی عمل‌گرایی در برپایی حق، کرنش در اجرای عدالت، و وحدت‌گرایی در دفاع از حق؛ اگر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، جهاد با اموال و جان‌ها و زبان‌ها را سفارش می‌کنند یعنی وجوب هم‌گرایی کشورها و اشخاص در حد توان و ظرفیت آن‌ها در راستای مهار تک‌تازی‌های ظلم و ستم؛ اگر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)، سفارش به امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند یعنی ترویج پیروی از ارزش‌ها و پرهیز از ضد ارزش‌ها از طریق سیاست‌های اصلاحی در تذکر و هشدار و اولتیماتوم؛ و اگر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) به عدالت در کیفر سفارش می‌کنند یعنی عدم مشروعیت تهاجم و تجاوز و نسل‌کشی در برابر اقدامات تروریستی؛ و این‌ها همه دستورالعملی مدون از راهبرد دیپلماسی عمومی در گفتمان اسلامی را ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

ثبات در اجرای ارزش‌ها، عاملی کلیدی در روند موفقیت‌آمیز مدیریت دیپلماسی عمومی است و همین امر دشواری اعمال قدرت نرم با ابزار دیپلماسی عمومی را موجب شده است؛ به‌گونه‌ای که با برجسته شدن نقش بنگاه‌های سخن‌پراکنی و تبلیغاتی، دستورکارهای مدیریتی از ثبات در اجرای ارزش‌ها به سمت ثبات‌نمایی در اجرای ارزش‌ها سوق داده شده است و این همان چیزی است که تفاوت‌های مدیریت دیپلماسی عمومی در غرب و اسلام را آشکار می‌کند؛ به‌عبارتی، بررسی سیاست‌های امام علی (علیه‌السلام) حکومت اسلامی را به‌عنوان آغازگر طرح و اجرای دیپلماسی عمومی اصیل معرفی می‌کند و آن‌چه غرب به‌عنوان دیپلماسی عمومی در دستور کار قرار داده از روند مهندسی معکوس و بدون در نظر داشتن یک راه حل منطقی بوده است. غرب بدون توجه به واقعیت‌های فرهنگی و اشتراکات و منافع عام بشریت، فقط با در نظر داشتن منافع قدرت به اشاعه‌ی تصویر و نمایی از ارزش‌هایی هم‌چون آزادی، عدالت، دموکراسی، حقوق بشر و ... می‌پردازد اما باید توجه داشت که این ارزش‌ها تنها در صورتی که منتسب به اصالت ریشه‌ای باشند ارزش نامیده می‌شوند و عملکردهای سیاسی بیش از هر چیزی معرف اصالت ریشه‌ای ارزش‌ها است.

مدیریت امام علی (علیه‌السلام) در فرایند دیپلماسی عمومی با تمرکز بر نخبگان و عموم مردم روابطی گفت‌وگو محور مبتنی بر ارتباطات متقارن دوسویه را پایه‌گذاری کردند. عمل‌گرایی‌های ایشان که بازتاب تصاویر اعتباربخش از حکومت اسلامی است با الزام بر معیارهای اخلاقی نظیر عدالت عام و مطلق، صداقت، مساوات، موااسات و ... گفتمان اسلامی را با اشتراکات و یا منافع عامه مردم در سطح جهانی پیوند داد. چالش اصلی مدیریت دیپلماسی عمومی در اندیشه‌ی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) عملکردهای ناعادلانه و اشاعه‌ی ظلم و ستم در سطح واحد و ساختار است که رویکرد دیپلماسی عمومی ایشان را به سمت عدالت‌گستری اجتماعی فعال می‌کند و حالت واکنش‌پذیری در ظلم ستیزی و دفاع از مظلوم نمایان می‌شود. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که هدف غایی دیپلماسی عمومی در اندیشه‌ی امام علی (علیه‌السلام) نه تأثیر گذاری بر افکار عمومی در راستای تغییر سیاست‌های دولت هدف در شکل سنتی آن و نه جلب حمایت افکار عمومی از سیاست‌های دولت مبدأ در شکل نوین آن؛ بلکه آن‌چه مدنظر قرار دارد و کارکردها را به سمت عدالت‌گستری جهت می‌دهد دستیابی به منافع و اشتراکات عام جهانی در راستای تأمین اهداف صلح و امنیت است؛ بر این اساس شاخص‌هایی هم‌چون عدالت، آزادی، حقوق بشر و ... در اندیشه‌ی ایشان، نه بر مبنای منافع قدرت، بلکه بر مبنای تکریم انسانیت و منافع عام بشریت است.

منابع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه. ترجمه: محمد دشتی. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).

ابطحی، سید عبدالحمید و انصاری، محمدفرید و طارمی‌راد، حسن. (۱۳۹۲). «جایگاه امام علی(علیه‌السلام) در نشر علوم دین در مراکز علمی جامعه اسلامی قرن اول». تاریخ: تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۰. از ۷ تا ۲۸. قابل دسترسی در:

<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/989924>

احمدی‌ندوشن، محمدرضا. (۱۳۹۰). «حیات علمی امام علی(علیه‌السلام) از منظر اندیشمندان غیر مسلمان و مستشرقان». تاریخ: تاریخ در آیینه پژوهش، سال هشتم، شماره ۳۱. از ۴۹ تا ۷۰. قابل دسترسی در:

<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/976223>

اخوان کاظمی، مسعود و عزیز، پروانه. (۱۳۸۸). «دیپلماسی عمومی و الگوی اسلامی آن». علوم اجتماعی: رسانه، شماره ۸۰. از ۵ تا ۲۲. قابل دسترسی در:

<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/838143>

سجادپور، محمدکاظم و وحیدی، موسی‌الرضا. (۱۳۹۰). «دیپلماسی عمومی نوین: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی». علوم سیاسی: سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴. از ۷۷ تا ۹۶. قابل دسترسی در:

<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/969231>

مصطفوی‌نیا، سیدمحمدرضی و فرخیان، ایمان. (۱۳۸۹). «علم امام علی(علیه‌السلام) در شعر عبدالملک». ادیان و عرفان: شیعه‌شناسی، شماره ۳۰. از ۱۹۳ تا ۲۱۰. قابل دسترسی در:

<http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/602279>

مورگنتا، هانس‌جی. (۱۳۸۹). *سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح*. ترجمه: حمیرا مشیرزاده. تهران: وزارت امور خارجه.

میلسن، ژان و همکاران. (۱۳۸۷). *دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل*. ترجمه: رضا کلهر و سیدمحسن روحانی. تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و دبیرخانه همایش عملیات روانی.

نای، جوزفاس. (۱۳۸۹). *قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*. ترجمه: سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری(مقدمه: اصغر افتخاری). تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

نای، جوزفاس. (۱۳۹۰). *آینده قدرت*. ترجمه: رضا مرادصحرایی، سیدظاهر شریعت‌پناهی و سیدحسین ارجانی. تهران: انتشارات حروفیه با همکاری مؤسسه‌ی تحقیق و توسعه‌ی نوین دانشمند.

هادیان، ناصر و احدی، افسانه. (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی». علوم سیاسی: روابط خارجی، شماره ۳. از ۸۵ تا ۱۱۸. قابل دسترسی در:

<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/853174>

هادیان، ناصر و سعیدی، روح‌الامین. (۱۳۹۲). «از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی». علوم سیاسی: راهبرد، شماره ۶۸. از ۳۳ تا ۶۲. قابل دسترسی در:

<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/1032510>

منابع لاتین

- Cull, Nicholas J. (2009). *Public Diplomacy: Lessons from the Past*. California: Published by Figueroa Press.
- Dizard Jr, Wilson P. (2004). *Inventing Public Diplomacy: The Story of the U.S. Information Agency*. United States of America: Published by Lynne Rienner Publishers.
- Ford, Jess T. (2009). *U. S. Public Diplomacy: Key Issues for Congressional Oversight*. Published by GAO.
- Fortner, Robert S. (1994). *Public Diplomacy and International Politics: The Symbolic Constructs of Summits and International Radio News*. United States of America: Green Wood Publishing Group, Inc.
- Hooghe, Ingrid. (2015). *Chinas Public Diplomacy*. Brill Nijhoff and Hotei Publishing.
- Lord, Carnes. (2006). *Losing Hearts and Minds? : Public Diplomacy and Strategic Influence in the Age of Terror*. Library of Congress Cataloging-in- Publication Data.
- Nakamura, Kennon H. and Weed, Matthew c. (2009). *U. S. Public Diplomacy: Background and Current Issue*.
- Pamment, James. (2013). *New Public Diplomacy in the 21 St Century: A Comparative Study of Policy and Practice*. Published by Routledge.
- Richmond, Yale. (2008). *Practicing Public Diplomacy: A Cold War Odyssey*. Published by Berghahn Books.